

به بهانه ثبت ملی سردیس حکیم توس؛ اثری از ابوالحسن صدیقی

نمادی از قابلیت‌های فرهنگ ملی ایران



روزبه صدر

هم‌زمان با ۲۵ اردیبهشت ماه و روز بزرگداشت «حکیم ابوالقاسم فردوسی»، سردیس این شاعر پرآوازه و بزرگ ایرانی، اثر استاد ابوالحسن صدیقی در فهرست آثار منقول ملی ثبت شد. این اثر که در موزه کتاب و میراث مستند سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود، یکی از آثار شاخص مجسمه‌سازی دهه‌های اخیر و آفریده‌ی یکی از صاحب‌نام‌ترین مجسمه‌سازان تاریخ معاصر ایران است. اما ابوالحسن صدیقی کیست و چه سهمی در پیشبرد مجسمه‌سازی ایران دارد؟

ابوالحسن صدیقی و مجسمه‌سازی مشاهیر ایران زمین
ابوالحسن خان صدیقی نقاش و مجسمه‌ساز برجسته ایرانی و از شاگردان کمال‌الملک در سال ۱۲۷۳ در محله عودلاجان تهران به دنیا

یادداشت

آمد. صدیقی پس از پایان تحصیلات ابتدایی برای ادامه تحصیل به مدرسه آلیانس رفت و در آنجا بدون این که استاد نقاشی داشته باشد شروع به نقاشی کرد. اما میلی پنهان او را به سوی مجسمه‌سازی می‌کشاند و در حالی که در آن زمان هیچ استاد مجسمه‌سازی در ایران وجود نداشت و در هیچ کجا از جمله مدرسه صنایع مستظرفه تدریس نمی‌شد، او در سال ۱۳۰۱ با وسایلی ابتدایی مجسمه‌های گچی از نیم‌تنه کودک‌کی می‌سازد و به کمال‌الملک عرضه می‌کند. کمال‌الملک با دیدن مجسمه متوجه استعداد صدیقی که اکنون دیگر یکی از مدرسان نقاشی در مدرسه بود می‌شود و گلخانه‌ی مدرسه را تبدیل به کارگاه مجسمه‌سازی می‌کند و صدیقی ضمن تدریس نقاشی به تجربه‌اندوزی در زمینه مجسمه‌سازی می‌پردازد و با مطالعه کتاب‌هایی که کمال‌الملک از اروپا با خود آورده تا حدی با مسائل تئوریک مجسمه‌سازی

آمد. صدیقی پس از پایان تحصیلات ابتدایی برای ادامه تحصیل به مدرسه آلیانس رفت و در آنجا بدون این که استاد نقاشی داشته باشد شروع به نقاشی کرد. اما میلی پنهان او را به سوی مجسمه‌سازی می‌کشاند و در حالی که در آن زمان هیچ استاد مجسمه‌سازی در ایران وجود نداشت و در هیچ کجا از جمله مدرسه صنایع مستظرفه تدریس نمی‌شد، او در سال ۱۳۰۱ با وسایلی ابتدایی مجسمه‌های گچی از نیم‌تنه کودک‌کی می‌سازد و به کمال‌الملک عرضه می‌کند. کمال‌الملک با دیدن مجسمه متوجه استعداد صدیقی که اکنون دیگر یکی از مدرسان نقاشی در مدرسه بود می‌شود و گلخانه‌ی مدرسه را تبدیل به کارگاه مجسمه‌سازی می‌کند و صدیقی ضمن تدریس نقاشی به تجربه‌اندوزی در زمینه مجسمه‌سازی می‌پردازد و با مطالعه کتاب‌هایی که کمال‌الملک از اروپا با خود آورده تا حدی با مسائل تئوریک مجسمه‌سازی

آمد. صدیقی پس از پایان تحصیلات ابتدایی برای ادامه تحصیل به مدرسه آلیانس رفت و در آنجا بدون این که استاد نقاشی داشته باشد شروع به نقاشی کرد. اما میلی پنهان او را به سوی مجسمه‌سازی می‌کشاند و در حالی که در آن زمان هیچ استاد مجسمه‌سازی در ایران وجود نداشت و در هیچ کجا از جمله مدرسه صنایع مستظرفه تدریس نمی‌شد، او در سال ۱۳۰۱ با وسایلی ابتدایی مجسمه‌های گچی از نیم‌تنه کودک‌کی می‌سازد و به کمال‌الملک عرضه می‌کند. کمال‌الملک با دیدن مجسمه متوجه استعداد صدیقی که اکنون دیگر یکی از مدرسان نقاشی در مدرسه بود می‌شود و گلخانه‌ی مدرسه را تبدیل به کارگاه مجسمه‌سازی می‌کند و صدیقی ضمن تدریس نقاشی به تجربه‌اندوزی در زمینه مجسمه‌سازی می‌پردازد و با مطالعه کتاب‌هایی که کمال‌الملک از اروپا با خود آورده تا حدی با مسائل تئوریک مجسمه‌سازی

پیوند هنر نو و عناصر بومی

نادر کمالوند

هنر نوگر در همان بدو ورود خود به ایران در پیوند با عناصر بومی و نقشی‌های سنتی ظاهر شده است. حسین زنده رودی، پرویز تناولی، فرامرز پیلارام، منصور قندریز، مسعود عربشاهی، ناصر اویسی، ژازه تباتبایی و صادق تبریزی از هنرمندان اصلی منتسب به جریان هنری «سقاخانه» هستند که اثرگذاری این شیوه تا به آنجا ادامه دارد که حتی در برخی آثار هنری زمان حال نیز به چشم می‌خورد و بعضی هنرمندان کنونی همچنان این شیوه را به صورت یک سبک در آثار خود به کار می‌برند.

نقوش برگرفته از خوشنویسی و حروف الفبا برای اولین بار توسط پیشگامان نهضت سقاخانه در سال‌های آغازین دهه ۱۳۴۰ مورد استفاده قرار گرفته است و با اینکه این شیوه از جریان سقاخانه نشأت گرفته بود اما خود به زودی به دو انشعاب اصلی تقسیم شد که رویکرد اول بر پایه استفاده از حروف و نوشته بدون در نظر داشتن معنی یا التزام به پایبندی به قواعد مرسوم خوشنویسی است و اساساً متنی قابل خواندن در این آثار به چشم نمی‌خورد (همان رویکردی که

مخالفت می‌کند و امکانات و تجربه صدیقی را کافی نمی‌داند، اما سرانجام موافقت می‌کند. صدیقی از روی عکسی از مجسمه «نونوس دومیلو» کار ساختن مجسمه ونوس را شروع می‌کند و سرانجام در سال ۱۳۰۴ کار این مجسمه سنگی به‌تمام می‌رسد. کمال‌الملک که متوجه استعداد کم‌نظیر شاگرد خود می‌شود، او را به همراه مجسمه‌ی سنگی ونوس میلو به حضور احمدشاه می‌برد و در این دیدار احمدشاه پنجاه تومان به کمال‌الملک می‌دهد و مقرری ماهانه‌ی او به مبلغ ۲۰ تومان برای پیش‌برد و تداوم کارهای صدیقی برای وی تعیین می‌کند و کمال‌الملک نیز سرپرستی کارگاه‌تازه‌تأسیس شده مجسمه‌سازی مدرسه صنایع مستظرفه را به او می‌سپارد. در این دوران او مجسمه‌های متعددی می‌سازد؛ از جمله مجسمه گچی فردوسی، مجسمه‌های نیم‌تنه و تمام قد امیر کبیر، مجسمه ابوالقاسم، مجسمه‌الیاس دوره گرد و دلاک حمام. ماندگارترین مجسمه این دوران، که در سال ۱۳۰۵ ساخته شده است، مجسمه سیاه‌نیزن (حاج مقبل) است که از گچ فرنگی پاتینه شده ساخته شده است و ارتفاع آن ۹۳ سانتی‌متر است و هم‌اکنون در موزه هنرهای ملی نگهداری می‌شود. در سال ۱۳۰۶ کمال‌الملک از کلیه مناصب خود استعفا داد و به حسین آباد نیشابور مهاجرت کرد. او هنگام ترک تهران به صدیقی توصیه کرد به اروپا برود و تحصیلات تکمیلی خود را در آنجا بگذراند؛ پولی راه که کمال‌الملک در این مدت از محل دریافت مستمری احمدشاه برایش پس‌انداز کرده بود، به او داد. سپس از تجربه‌اندوزی‌هایش در این سال‌ها در دهه ۴۰ شمسی و با سفر به ایتالیا موفق شد مجسمه‌های ماندگاری بسازد. مجسمه‌ی نادر در آرمگاه نادر شاه مشهد و مجسمه‌ی فردوسی در میمان فردوسی تهران و مجسمه خیام پارک لاله تهران هم حاصل این سال‌ها است.

پایه‌گذار مجسمه‌سازی نوین در ایران
فریدون صدیقی، هنرمند فقید و فرزند زنده‌یاد ابوالحسن صدیقی در توصیف فعالیت‌های او در عرصه هنر گفته بود: «پدرم پایه‌گذار مجسمه‌سازی نوین در

آشنا می‌شود. پس از آن که چندین مجسمه گچی می‌سازد و طی دو سه سال تجربه لازم را به دست می‌آورد، روزی از کمال‌الملک می‌خواهد که امکان ساختن مجسمه‌های سنگ را برای او فراهم کند که کمال‌الملک ابتدا

ایران در سال ۱۳۰۳ بود. بعد از آن نیز در سال ۱۳۱۳ اولین هزاره‌ی فردوسی با سماجت و دخالت مستقیم پدرم تشکیل شد و پدرم با ساخت تندیس فردوسی که نشسته بر بال سیمرغ بود، این شاعر بزرگ تاریخ را به لحاظ حجم و تندیس جاودانه کرد. ابوالحسن خان در سال ۱۳۱۸ یکی از افرادی بود که بانی راهاندازی دانشکده‌ی هنرهای زیبادار دانشگاه تهران شد که در مراسم ۷۰ سالگی دانشگاه به سفارش آن‌ها تندیس نیم‌تنه پدرم را برای نصب ساختیم. پدرم معلم روح و جسم هنری بود و همواره تاکید داشت؛ افراط در گفتن و افراط در خواستن و داشتن را کنار بگذارد. همان‌طور که وقتی اولین اثر خود را از سردختر بچه‌ای با چشمان بسته ساخت عنوان کرد که: یک چشم میان کوران پادشاه است.

شاهدی بر فراز فرودرودهای تاریخی
حمید شانس، هنرمند مجسمه‌ساز و مدرس هنر نیز در ارتباط با جایگاه ابوالحسن صدیقی در مجسمه‌سازی معاصر ایران می‌گوید: صدیقی پدر مجسمه‌سازی معاصر ایران لقب گرفته زیرا که سه حوزه مجسمه‌سازی معاصر را پشت سر گذاشته است. از یک سو هنر آموخته‌ی مکتب کمال‌الملک است،



ابراهیم جعفری و غلامحسین نامی از هنرمندانی بودند که تجربیاتشان در این قالب به نمایش درآمده است. هنرمندان آفریننده این آثار در فضایی که شرایط رفت و آمد به کشورهای اروپایی و آمریکا و تأثیر پذیری از فرهنگ هنر غربی بر ایشان فراهم بود، توگرایی را به هنر ایران انتقال دادند. اما در تمامی دوره‌های هنری همواره سعی در نشان دادن رنگ و بویی ایرانی در آثارشان داشته‌اند تا در عین نوین بودن آثارشان، فرهنگ، نشانه‌ها و آداب و رسوم ایرانی در آن‌ها جاری باشد و اصلاً به همین دلیل است که آثارشان تأثیر گذار، ماندگار و جریان‌ساز بوده است. چون حس بیگانگی به هنرمندان پس از دوران خود انتقال نمی‌داد و نه تنها هنرمندان که حتی عامه مردم نیز با وجود ظاهر تازه و نو آن‌ها به نوعی حس مبهم نزدیکی و آشنا بودن را با این آثار احساس می‌کردند.

در ۱۹۵۰ میلادی، گریگوریان که از دانش‌آموختگان مکتب اکسپرسیونیسم ایتالیایی بود، گالری استتیک را در تهران راه‌اندازی کرد؛ جایی که در آن به ارائه کارهای هنرمندان ایرانی و نیز آموزش هنر به دانشجویان می‌پرداخت. گریگوریان همچنین با تأثیری که از مکتب مینیمالیست و تجسمی نیویورک در سفرهایش گرفته بود، کاهو گل‌و پلی‌استر را در کارهایی به کار برد که یادآور نماهای کاهگلی سنتی ایران در قالب‌های آبستره هندسی بودند؛

بوم خبر

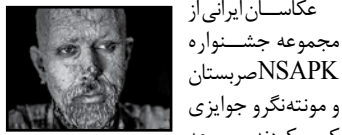
موزه «ون گوگ» بازگشایی می‌شود



مسوولان موزه «ون گوگ» واقع در آمستردام اعلام کردند در بازگشایی این موزه و با اعمال محدودیت بازدید، روزانه فقط ۷۰۰ نفر میزبان بازدیدکنندگان خواهند بود.

سال گذشته ۲.۱ میلیون نفر از موزه «ون گوگ» بازدید کردند که به این ترتیب بازدید روزانه از این موزه در سال گذشته را ۶ هزار نفر می‌توان در نظر گرفت که گردشگران خارجی ۸۵ درصد این تعداد بازدیدکننده را در برمی‌گیرد. آمار بالای بازدید این موزه را به دومین موزه محبوب هلند تبدیل کرد. موزه ملی آمستردام در رتبه نخست این فهرست قرار می‌گیرد. در طول تابستان که شمار گردشگران افزایش می‌یابد و ساعات کار موزه نیز بیش‌تر است، به‌طور معمول در هر روز شمار بازدیدکنندگان بیش از ۹ هزار نفر برآورد می‌شود. اما در برنامه پسا قرنطینه موزه «ون گوگ» که در نوبت بازدید فقط ۲۰۰ نفر اجازه بازدید از موزه را خواهند داشت، از آنجایی که این موزه دارای چهار طبقه است، رعایت فاصله‌گذاری اجتماعی کار دشواری نخواهد بود. بازدیدکنندگان باید بلیت بازدید از موزه را به‌طور آنلاین رزرو کنند. با توجه مشکلات اقتصادی که در روزهای اخیر با تعطیل بودن این موزه به وجود آمده است، مسوولان موزه امیدوارند بتوانند با گذشت زمان محدودیت برای بازدید از این موزه را کاهش دهند. نمایشگاه جدید این موزه که «در تصویر: به تصویر کشیدن هنرمند» نام دارد پیش از شیوع ویروس کرونا فقط به مدت سه هفته به اجرا درآمد. قرار بود این نمایشگاه در بیست و چهار ماه «می» به اتمام برسد، اما با بازگشایی مجدد موزه «ون گوگ» تاریخ اتمام فعالیت این نمایشگاه به ۱۳۰ اگوست موکول شده است. این موزه که بزرگ‌ترین مجموعه ون گوگ در دنیاست ۲۰۰ نقاشی، ۴۰۰ طراحی و ۷۰۰ نامه از این هنرمند را جمع‌آوری کرده که در سسالن اصلی آثار ون گوگ به ترتیب زمانی چیده شده است. انتظار می‌رود موزه «کرولر - مولر» که پس از موزه «ون گوگ» بیشترین آثار این هنرمند را نگهداری می‌کند نیز از اول «ژوئن» بازگشایی شود.

جوایز جشنواره صربستان برای عکاسان ایرانی



عکاسان ایرانی از مجموعه جشنواره NSAPK صربستان و مونته‌نگرو جوایزی کسب کردند. مجموعه جشنواره NSAPK صربستان و مونته‌نگرو که در چهار بخش برگزار می‌شود، به عکاسان ایرانی جوایزی را اهدا کرد. در این رویداد در سالن Novi Sad، عکس "پایان روز" از امیدرضا پورنوبی برنده تقدیر هیئت‌داوران، در سالن Kotor، عکس "صورت گل اندود ۷" از علی سامعی برنده مدال طلای جشنواره و عکس "مردم و گلها" از سید احسان مرتضوی برنده تقدیر هیئت‌داوران شدند. در این رویداد که زیر نظر فدراسیون بین‌المللی هنر عکاسی (فیاپ) و PSA برگزار شد، آثاری از عکاسان عضو کلوپ فوکوس (نماینده‌ی فیاپ در ایران) در بخش‌های مختلف جشنواره شامل امیدرضا پورنوبی، سیداحسان مرتضوی، ابراهیم بهرامی، عرفان ربیعی دستجردی، علی سامعی، سیدرضا جواد، المیرافروزی و نوید دروین ایرانی پذیرفته شدند. فدراسیون بین‌المللی هنر عکاسی (فیاپ) که به عنوان تنها مؤسسه بین‌المللی در زمینه عکاسی از طرف یونسکو به رسمیت شناخته شده است، در سال ۱۹۴۶ پایه‌گذاری شده و از آن سال تاکنون واسطه‌های برای برقراری ارتباط بین مؤسسات ملی عکاسی در کشورهای مختلف جهان بوده است. این فدراسیون به عنوان عضو اجرائی با مؤسسات ملی عکاسی در سراسر جهان همکاری نزدیک دارد که تعداد آنها به بیش از ۹۰ مؤسسه ملی در ۵۰ قاره می‌رسد. فیاپ در هر کشور تنها یک دفتر دارد که در حال حاضر نماینده رسمی فیاپ در ایران "کلوپ عکس فوکوس" است.